«اتاق روانی» آماده می‌شود

نمایش «اتاق روانی» به کارگردانی مهدی کاسه‌ساز، برای اجرای روی صحنه آماده می‌شود. مهر خبر داده این نمایش نویسندگی الناز عطایی و تهیه‌کنندگی سحر خورشیدی مراحل تمرین را پشت سر می‌گذارد تا زمان بازگشایی سالن‌های نمایش به صحنه برود. این نمایش، داستان انسان معاصر است که برای رسیدن به اهداف خود به‌سختی تلاش می‌کند اما به‌راحتی همه چیز را از دست می‌دهد.

دکترای درجه یک هنر برای افتخاری

علیرضا افتخاری، خواننده شناخته شده موسیقی ایرانی مدرک درجه یک هنری خود در رشته آواز را از محمد اله‌یازی، مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرد. بر اساس گزارش روابط‌عمومی دفتر موسیقی این مدرک از سوی شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور در خانه این خواننده پیشکسوت به او اعطا شد.

عطف

«صد سال کاریکاتور در تهران» منتشر شد

انتشارات علمی و فرهنگی به‌تازگی کتاب «صد سال کاریکاتور در تهران» را به همت جمال رحمتی منتشر کرده است. این کتاب بخشی از مجموعه کتب سده است که وضعیت فرهنگی و هنری یکصد سال اخیر تهران را بررسی می‌کند و با همکاری شهرداری تهران منتشر شده است.

خبرگزاری مهر نوشته که جمال رحمتی کاریکاتوریست و پژوهشگر ایرانی برنده چندین جایزه بین‌المللی است که سابقه همکاری با روزنامه‌ها و مجلات بسیاری را داشته است. پیروز حناچی، شهردار سابق تهران هم برای این کتاب مقدمه نوشته است.

صد سال کاریکاتور در تهران در چهار بخش کلی تنظیم و دسته‌بندی شده است؛ در بخش اول تاریخ کاریکاتور ایران از منظری دیگر بررسی شده که مباحثی چون اولین نشریات فکاهی - انتقادی در دوره‌های مختلف تاریخی از سال‌های اول پیروزی مشروطه تا زمان انتشار مجله گل‌آقا و خط‌خطی از جمله آنهاست. در بخش بعدی کتاب نگاهی کلی به کارتونیست و کاریکاتوریست‌های ایران طی دهه‌های ۲۰ تا ۹۰ انداخته و در بخش سوم نیز زندگی و آثار ریش‌سفیدهای کاریکاتور ایران یعنی کامبیز درم‌بخش، غلامعلی لطیفی و بهمن رضایی بررسی شده است. در بخش پایانی نیز رزومه مختصر از ۱۰۰ کارتونیست ایرانی ذکر شده است.

روایت اشک

نوحه‌ها و اشعار قدیمی چگونه متولد شده و از کجا آمده‌اند؟

حورا نژادصداقت

جام‌جم

شعرهای سطحی و کم‌مایه بعضی نوحه‌خوانی‌های امروز را که کنار بگذاریم، دل خیلی از ما به یکی از آن روضه‌خوانی‌های قدیمی گره خورده است. یکی از همان شعرهایی که می‌خواست هم واقعیت را بگوید، هم دم از مبارزه با ظلم بزند، هم تنگی دل از این همه رنج را نشان بدهد. اتفاقا، همان‌ها هستند که هنوز در خلوت‌هایمان زیر لب با خود زمزمه می‌کنیم و چند لحظه‌ای غرق می‌شویم در دنیایی دیگر. در اینجا مروری کرده‌ایم بر تعدادی از آن شعرهای قدیمی محرمی و امام حسینی تا ببینیم چه کسی آنها را سروده یا چه کسانی آنها را خوانده‌اند. احتمالا شما هم مثل من در انتهای این مطالب یک «خوش به حال شاعرش» خواهید گفت؛ از آن غبطه‌های واقعی.

در این نوشته چند مداح قدیمی و صاحب سبک را معرفی کرده‌ایم که اگر نامشان را نشنیده باشید حتما اشعارشان را به خاطر دارید

او می‌دوید و من می‌دویدم

می‌گویند جوانی در یکی از روستاهای نزدیک مشهد به دنیا آمد و بعد هم به مشهد رفت و آنجا یک قنادی باز کرد. اهل شعر بود. حتی گاهی افرادی به مغازه‌اش می‌آمدند و او شعرهایش را می‌خواند.

ابایی نداشت از این که میان شعرهای مذهبی‌اش گریه کند. آن مرد عبدالجواد جودی خراسانی بود که در شعرهایش تخلص به «جودی» می‌کرد. بعضی‌ها هم صدایش می‌کردند: میرزای جودی. دیوان شعر او اولین بار سال ۱۲۹۹ به سبک چاپ سنگی منتشر شد. یکی از شعرهای او در دیوانش این است:

او می‌دوید و من می‌دویدم / او سوی مقتل، من سوی قاتل

او می‌نشست و من می‌نشستم / او روی سینه، من در مقابل

او می‌کشید و من می‌کشیدم / او از کمر تیغ، من آه از دل

او می‌برید و من می‌بریدم / او از حسین سر، من غیر از او دل

آنقدر این شعر روان است که نه تنها مداحان مختلف آن را خوانده‌اند، بلکه شاید خودمان هم وقتی در حال خودمان هستیم، آن را زیر لب زمزمه کنیم.

باز این چه شورش است

صحبت از شعرهای روزهای عاشورا که می‌شود نمی‌توان از یاد جناب محتشم کاشانی دور شد؛ از باز این چه شورش است.... ما این قطعه را فراوان شنیده‌ایم. اما یکی از خاطره‌انگیزترین‌ها آنها برای ما شعرخوانی بچه‌های آباده است.

همان گروه سرودی که یک بار به دیدار امام خمینی هم رفته بودند. محمدحسین توکل، تکخوان این گروه سرود در خاطراتش تعریف می‌کند: آموزش و پرورش و بنیاد شهید این استان بسیار علاقه‌مند به همکاری بودند. نوحه باز این چه شورش است با همکاری آموزش و پرورش و بنیاد شهید یزد ضبط و آماده پخش شد. آنها یکی از مدارس خود را در اختیار ما قرار دادند تا این نوحه ضبط و آماده شود.

ما دلمان می‌خواهد همه بچه‌هایی که در کودکی پشت میکروفن می‌روند و نوحه می‌خوانند عاقبت به خیر شوند، مفید باشند مثل توکل که مدرک پزشکی عمومی و تخصصی پاتولوژی دریافت کرد.

ای ساقی لب‌تشنگان

عمری طولانی داشت علی‌اکبر خوشدل تهرانی. ۱۲۹۳ در تهران به دنیا آمد و در دوران جنگ یعنی سال ۱۳۶۵ از دنیا رفت. غیر از این که به مدرسه‌های معمولی رفته بود، فقه و اصول و صرف و نحو را در مدرسه مروی خوانده بود. بخشی از عمرش صرف یاد گرفتن شد. وقتی علم باشد و در کنارش هم صفای دل، حاصلش می‌شود شعر مشهوری که خیلی از ما آن را شنیده‌ایم:

ای ساقی لب‌تشنگان، ای جان جانانم / سقای طفلانم

این سال‌ها خیلی از مداحان شعر علی‌اکبرآقای خوشدل را خوانده‌اند. اما شما اگر دلتان می‌خواهد یکی از آن نسخه‌های قدیمی ساده و صمیمی‌اش را بشنوید، به سراغ مداحی استاد محمد احمدیان بروید. مرحوم احمدیان را که می‌شناسید، او همان کسی است که «نوجوان اکبر من» را هم خواند و حالا صدایش جزو صداهای ماندگار از نوحه‌خوانی‌های تهران قدیم است. گرچه، خیلی‌ها آن را بازخوانی کرده‌اند.

از این شعر مشهور که بگذریم، در دهه ۴۰، آن سال‌هایی که مردم در تردید و خفقان و بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی ایران به سر می‌بردند، او توانست در شعرهایش از ظلم و حق‌طلبی هم بگوید. مثلا در همان شعر معروف «حسین سرباز ره دین بود / عاقبت حق‌طلبی این بود / از سر نی داد، خوش این ندا سر / ا... اکبر ا... اکبر»

شعر دیگری که از او به جای مانده این است: «بزرگ فلسفه قتل شاه دین این است / که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است». با خواندن این ابیات چقدر باید دلمان بسوزد که بعضی از شعرهای امروزی نه از ظلم می‌گوید و نه از حق و به جایش همچنان از زیبایی چهره امام حسین و یاران او با ریتم‌های نامرتبط و معانی صرفا احساساتی و نه برانگیزاننده علیه ستم.

مکن ای صبح طلوع

خباز بود. نان می‌پخت و شعر می‌سرود. مرد معتبر محله بود و امضا و شهادتش یک گواهی به حساب می‌آمد. کربلایی محمود بهجت که در بهمن ۱۳۲۴ از دنیا رفت، شعرهای زیادی در وصف اهل‌بیت سرود اما مشهورترینش همان

متخصصان شرکت دانش‌بنیان «پداسیس» با طراحی و تولید اسکلت‌های بیرونی رباتیک پایین‌تنه موفق شده‌اند یک گام به حذف ویلچر نزدیک شوند و معلولان و بیماران آسیب‌دیده نخاعی را به راه‌رفتن امیدوار کنند

عبور از معلولیت با اکسوپد

فراز سهیلی‌آزاد

نشان ایرانی ۲

اسکلت بیرونی رباتیک؛ احتمالا وقتی این عبارت را می‌شنوید یاد تصاویری از فیلم مرد آهنی می‌افتید! البته این تصور خیلی هم دور از ذهن نیست، زیرا اسکلت‌های بیرونی می‌توانند تا حدودی به کاربر خود قدرت رباتیک اعطا کنند. اما این قدرت به اندازه‌ای نیست که از آنها یک قهرمان افسانه‌ای بسازد. اکنون کاربرد اصلی اسکلت‌های بیرونی رباتیک در توانبخشی به افراد دارای معلولیت حرکتی و آسیب‌دیدگان نخاعی است. متخصصان شرکت دانش‌بنیان «پویندگان دانش سیستم‌های توان‌افزای پاسارگاد» با بومی‌سازی فناوری ساخت این‌گونه اسکلت‌های بیرونی، گام مهمی در کمک به توان‌یابان و افراد دارای معلولیت برداشته‌اند.

مدیر عامل شرکت پداسیس درباره ماجرای شکل‌گیری این مجموعه به جام‌جم می‌گوید: «ما در قالب یک گروه چهار نفره، هسته اصلی مدیریتی این شرکت را در سال ۹۳ تشکیل دادیم. در آن زمان دوستی ما که به دوران دانشجویی برمی‌گشت، بیش از ۲۰ سال قدمت داشت. از این هسته چهار نفره، دو نفر سابقه کار تئوری داشتند و عضو هیأت علمی دانشگاه بودند، دو نفر دیگر نیز که من هم یکی از آنها هستم، سابقه کار عملی در صنعت را داشتیم؛ به این ترتیب بود که بین ما هماهنگی مناسبی به‌وجود آمد و تجربه‌هایمان در تکمیل یکدیگر به‌کار گرفته شد تا پداسیس گام‌های اولیه را صحیح‌تر و محکم‌تر بردارد.»

سید مصطفی حوائجی، در ادامه می‌افزاید: «وجه اشتراک همه ما در این بود که فعالیت‌هایمان به‌نحوی با رباتیک و اتوماسیون پیوند داشت و به‌همین دلیل بود که تصمیم گرفتیم فناوری رباتیک را به‌عنوان زمینه اصلی فعالیت‌های پداسیس انتخاب کنیم. در آن زمان به‌تازگی اخباری در خصوص استفاده از اسکلت بیرونی رباتیک پایین‌تنه برای افرادی که دچار فلج پا بودند از رسانه‌های غربی به‌گوش می‌رسید و ما نیز به این نتیجه رسیدیم که تمرکز اصلی خودمان را روی همین فناوری نوپا و آینده‌دار متمرکز کنیم.»

به گفته این فناور ایرانی، مجموعه مدیریتی شرکت پداسیس بعد از یک سال کار روی طراحی مفهومی دستگاه اسکلت بیرونی رباتیک پایین‌تنه، در سال ۹۴ با شرکت «شناسا» که بازوی سرمایه‌گذاری بانک پاسارگاد محسوب می‌شود، وارد مذاکره شد و خیلی زود توانستند نظر مساعد این مجموعه را نسبت به پروژه‌ای که داشتند جلب کنند. با سرمایه‌گذاری شناسا، بعد از ۲۲ ماه نمونه اولیه‌ای از این دستگاه ساخته و در نمایشگاه «ساخت ایران» عرضه شد. با شناخته‌شدن این محصول با نام تجاری «اکسوپد»، تنها یک‌سال پس از ساخت نمونه اولیه بود که چهار سفارش از مراکز درمانی مختلف به شرکت پداسیس ارائه شد.

به این ترتیب اکسوپد به‌عنوان اولین اسکلت بیرونی رباتیک پایین‌تنه ساخت ایران، در چهار مرکز درمانی یا تحقیقاتی تهران نصب شد. این موفقیت گرچه بزرگ بود، اما برای ترویج و همه‌گیر شدن این فناوری، که در دنیا هم جدید بود (و هنوز هم هست)، فقط قدم اول بود. متأسفانه نوسانات شدید نرخ ارز که در اوایل سال ۹۷ به‌وجود آمد، باعث شد برنامه‌هایی که این مجموعه برای توسعه و فروش بیشتر در دست اقدام داشت با وقفه مواجه شود، به‌طوری که اولین فروش بعدی آنها (این بار به یک کلینیک بخش خصوصی بود) در سال ۹۹ اتفاق افتاد.

آموزش بیمار برای استفاده از اسکلت بیرونی رباتیک

به گفته مدیرعامل پداسیس، استفاده از یک اسکلت بیرونی رباتیک درست مانند دوچرخه‌سواری به گذراندن آموزش‌هایی نیاز دارد تا بیمار بتواند طی این دوره‌های آموزشی، به‌مرور کنترل اسکلت را یاد بگیرد و تعادلش را با استفاده از عصاهای مخصوص حفظ کند. مهارت‌یافتن در استفاده از دستگاه اسکلت بیرونی رباتیک پایین‌تنه، معمولا با طی‌کردن ۲۰ جلسه آموزشی حاصل می‌شود.

اکسوپد سنسورهایی برای اصلاح حرکات بیمار دارد که در طول جلسات آموزشی نقش پررنگی ایفا می‌کنند؛ برای مثال از سنسور ژیروسکوپ برای تشخیص وضعیت تعادل بیمار استفاده می‌شود تا ربات در هرلحظه بتواند خودش را نسبت به متمایل‌شدن بدن کاربر تنظیم کند. یکی دیگر از مواردی که طی دوره‌های آموزشی تغییر می‌کند، توالی کارکردن موتورهای اکسوپد است که به آن «گیت» (Gait) نیز گفته می‌شود؛ گیت که مشخص‌کننده نحوه راه‌رفتن دستگاه است، باید طوری تنظیم شود که در ابتدای آموزش قدم‌هایی با ارتفاع بلند و طول کوتاه را برای بیمار فراهم کند. رفته‌رفته گام برداشتن بیمار به‌حدی اصلاح می‌شود که در جلسات پایانی آموزش، شاهد قدم‌هایی با ارتفاع بسیار کم و طول زیاد خواهیم بود. شیوه‌ای که شباهت زیادی به راه‌رفتن طبیعی انسان دارد.

اسکلت بیرونی رباتیک؛ فناوری آینده

حوائجی درباره چشم‌انداز شرکت پداسیس و برنامه‌هایی که گروه مدیریتی این مجموعه برای آینده درنظر گرفته‌اند می‌گوید: «ما در مرحله اول قصد داریم بازار داخلی را کاملا پوشش داده و نیاز کشور را تأمین کنیم. متأسفانه به‌دلیل کمبود یا حتی نبود امنیت در جاده‌ها و خودروها، تصادفات جاده‌ای در ایران نرخ بسیار بالایی دارند و هرسال بالغ بر پنج‌هزار نفر بر اثر حوادث رانندگی قطع‌نخاع می‌شوند. این افراد که بخش عمده‌ای از آنها را جوانان تشکیل می‌دهند، معمولا از جامعه طرد شده و خانه‌نشین می‌شوند. امیدواریم با کمک این دستگاه بتوانیم این افراد را به جامعه بازگردانیم.»

وی ادامه می‌دهد: «در مرحله بعدی هدف ما عرضه اکسوپد در بازار خاورمیانه است، زیرا متأسفانه در منطقه نیز به‌دلیل وقوع درگیری‌ها و جنگ‌های متعدد و همچنین انفجارهای بزرگ و کوچک تروریستی، ناامنی بالاست و به‌طبع آن تعداد افرادی که قطع نخاع می‌شوند نیز بسیار چشمگیر است. پس از آن امیدواریم با گسترش کسب‌وکارمان بتوانیم در سطح بین‌المللی نیز به ارائه محصول بپردازیم و باتوجه به برتری‌هایی که از نظر قیمت نسبت به سایر برندهای جهانی داریم، از این ظرفیت خوب برای صادرات بهره ببریم.»

تحقق یک رویا با تکیه بر فناوری روز

معمولا افرادی که مشکل فلج پا را از بدو تولد دارند یا بر اثر عواملی مانند ضایعات نخاعی، برخی از ضربه‌های مغزی یا بعضی از فلج‌های اطفال دچار این معضل شده‌اند، در آرزوی بازیابی توان راه رفتن هستند؛ به‌همین دلیل می‌توان گفت بزرگ‌ترین ویژگی اکسوپد، احساس شادی وصف‌ناپذیری است که باعث می‌شود این دسته از افراد هنگام بلندشدن از روی ویلچر و راه‌رفتن تجربه کنند. این امر را می‌توان نمونه‌ای ملموس از تحقق رویاها و آرزوهای بشر با بهره‌گیری از دانش و فناوری روز دنیا دانست.

حوائجی دستگاهی که مهندسان مجموعه تحت مدیریتش طراحی و تولید کرده‌اند را با نمونه‌های خارجی آن مقایسه کرده و می‌گوید: «در واقع دستگاه ما هیچ‌گونه برتری فنی خاصی نسبت به پیشگامان خارجی‌اش ندارد؛ البته اکسوپد تمام عملکردهای یک اسکلت بیرونی رباتیک را به بهترین شکل ممکن اجرا می‌کند و از این حیث هیچ‌گونه کاستی و نقصانی ندارد، اما بزرگ‌ترین مزیت اکسوپد را باید در قیمت آن دانست. در حال حاضر کمترین قیمت یک دستگاه اسکلت بیرونی رباتیک پایین‌تنه برند «ریواک» که در ایالات‌متحده ساخته می‌شود و بهترین برند این محصول به‌حساب می‌آید، حدود ۷۰ هزار دلار است که تقریبا معادل دو میلیارد تومان می‌شود؛ این در حالی است که ما اکسوپد را با قیمت حدود ۴۵۰ میلیون تومان عرضه می‌کنیم. قیمتی که در مقایسه با نمونه‌های خارجی بسیار مقرون‌به‌صرفه است.»

وی تأکید می‌کند: «البته اکسوپد مخصوص استفاده در مراکز توانبخشی طراحی شده است. زمانی که ما نسخه دوم از اسکلت بیرونی رباتیک پایین‌تنه را به بازار عرضه کنیم، قیمتی حدود ۲۵۰ میلیون تومان خواهد داشت که تقریبا یک‌هشتم قیمت دستگاه ریواک است. گفتنی است که این مدل نسبت به اکسوپد ۳۲ کیلوگرمی بسیار سبک‌تر است و با وزنی در حدود ۲۳ کیلوگرم، برای استفاده شخصی بیماران در منازل طراحی شده و اکنون درحال گذراندن دوره آزمایش و عیب‌یابی است.»

راه‌های ارتباط با «پداسیس»

pedasys.com

info@pedasys.com

PEDA_SYS

PEDASYS

۰۲۱۸۸۲۲۰۳۱۸

برای ورود به سایت این کد را با گوشی اسکن کنید